

جمهوری اسلامی ایران و گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی با رویکرد شبکه‌ای در خاورمیانه

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.2.3.7

ابراهیم طاهری* / اکبر غفوری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۲

چکیده

ایران بعد از انقلاب اسلامی گفتمان ویژه‌ای را در سطح جهانی و منطقه‌ای دنبال می‌کند. این هویت گفتمانی جدید، در حوزه سنتی خویش یعنی خاورمیانه به دنبال دستیابی به آرمان‌های گفتمانی‌اش است. سوال پژوهش این است؛ گفتمان منطقه‌گرایی که از سوی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود دارای چه ویژگی‌هایی است و ایران از چه ابزارهایی برای تحقق گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی بهره می‌گیرد؟ نتایج نشان می‌دهد در حال حاضر سه گفتمان سلفی عربستان سعودی، گفتمان اخوانی ترکیه و شیعه انقلابی ایران در شکل دادن به منطقه مورد نظر با هم در حال رقابت هستند و مهترین نقاط اختلاف آنها چگونگی مواجهه با اسرائیل و نقش و نفوذ قدرت‌های بیرونی از جمله آمریکا در منطقه است. دال مرکزی منطقه‌گرایی اسلامی مدنظر ج.ا.ا، اسلام سیاسی و دال مرکزی دو گفتمان دیگر سکولاریسم است. ایران هدف اصلی این گفتمان را از طریق شبکه‌سازی با مضامین ژئوپلیتیک، ژئوکالچری و ژئواکونومیک دنبال می‌کند. مدلول اصلی شبکه‌سازی ژئوپلیتیک، موضوع پیوند دهنده تهدید اسرائیل است، مدلول شبکه‌سازی ژئوکالچری از طریق ارتباط نزدیک با اسلام اخوانی صورت پذیرفته و در نهایت اینکه مدلول شبکه‌سازی ژئواکونومیک نیز خط لوله پرشین یا اسلامی است. ایران با پیوند دو مفهوم معنا و جغرافیا به دنبال مواجهه‌جویی با هژمونی بدخیم غربی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی مورد توجه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی اسلامی، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری.

مقدمه

کشورهای بزرگ و تاثیرگذار در امور منطقه‌ای همواره در تلاش هستند تا از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر خود به‌عنوان ابزاری برای تحت تاثیر قرار دادن کشورهای رقیب درون منطقه و بیرون منطقه مورد نظر خود استفاده کنند. ایران نیز در جهان اسلام مصداق بارز این ادعا است. این قدرت در طول تاریخ نیز با استفاده از دوری و نزدیکی به کشورهای پیرامونی خود تلاش کرده است زمینه‌های نفوذ قدرت‌های دیگر در منطقه را به حداقل برساند؛ برای مثال ایران بخاطر قرار گرفتن میان دو منطقه آسیای مرکزی- قفقاز و خاورمیانه تلاش دارد به‌طور غیرمستقیم نفوذ گذشته خود در دو منطقه را احیا کند. درواقع ایران به‌عنوان کانون مرکزی قصد دارد این دو منطقه را به‌هم پیوند زند و از این طریق در تلاش است تا از این ظرفیت خود به‌عنوان عاملی برای مرتبط کردن آنها با جهان بیرون و افزایش ضریب نفوذ خود استفاده کند. به‌خصوص بعد از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، با هدف تحقق اتحاد اسلامی مجموعه اقداماتی را در دستور کار قرار داده است که البته اصل وحدت اسلامی برگرفته از آرا و اندیشه‌های امام خمینی^(ره) است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «اگر مسلمین آن عزت و عظمتی که در صدر اسلام داشتند، بازیابند، به اسلام و وحدت کلمه روی می‌آورند، آن اتفاق بر محور اسلام بود که آن قدرت و شجاعت مافوق‌الطبیعه را به‌وجود آورد.» یکی از ابزارهای وحدت اسلامی طرح منطقه‌گرایی اسلامی از سوی جمهوری اسلامی ایران است. با این اوصاف مهمترین سوال پژوهش حاضر این است که گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ در پاسخ می‌توان مطرح کرد که ایران از ابتدای انقلاب اسلامی برخلاف رویه رایج تلاش کرده است به‌تنهایی منطقه‌گرایی اسلامی را محقق سازد. در این راستا درحالی‌که ایران با رویکرد تمدنی به منطقه‌گرایی نگاه می‌کند و با هدف به چالش کشیدن نظم بین‌المللی موجود این اقدام را در دستور کار قرار می‌دهد قدرت‌های دیگر از جمله عربستان سعودی و ترکیه رویکردشان به منطقه و منطقه‌گرایی با رویکرد دولت- ملی همخوانی دارد و نظم بین‌المللی موجود را به رسمیت شناخته است. ایران برای تحقق گفتمان

منطقه‌گرایی اسلامی از شبکه‌سازی ژئوپلیتیک، ژئوکالچری و ژئواکونومیک استفاده کرده و تا حدودی هم موفق بوده است.

یک. مبانی نظری و مفهومی پژوهش

۱-۱. شبکه

اصولا شبکه سازه فیزیکی است که از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزاء تشکیل دهنده به‌وجود می‌آید؛ به عبارت دیگر، می‌توان شبکه را سازه‌های ارتباطی در نظر گرفت. در شکل‌گیری یک شبکه کشورها از پیوند بین موضوعات و مکان‌ها استفاده می‌کنند و شبکه دلخواه خویش را ایجاد می‌کنند (قاسمی و لطفیان اکبرآبادی، ۱۳۹۲: ۹۷).

تنوع ارتباطی واحدها و همزمانی ارتباطات و تداخل مرزبندی آنها، سبب شکل‌گیری شبکه‌های مختلف، اما متداخل می‌شود. این امر همزمانی ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری را می‌طلبد. به‌واقع نقش همزمان ملاحظات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر همراه باهم در شکل‌گیری یک شبکه منطقه‌ای و حتی جهانی انکارناپذیر است. به این ترتیب در حال حاضر یک سیستم شبکه‌ای جهانی وجود دارد که مناطق به‌عنوان گره‌های اصلی آن ایفای نقش می‌کنند. با پیوند بین مناطق شبکه‌ای جهانی شکل می‌گیرد که خود به سه شبکه تابعه اما اصلی، تحت عنوان، شبکه ژئوپلیتیک، شبکه ژئواکونومیک و شبکه ژئوکالچر دسته‌بندی می‌شود که باوجود حوزه‌های متمایز رفتاری، پیوندهای کارکردی، ارتباطی، محیطی و کنترلی در میان آنها برقرار است (Ghasemi, 2007:218-219). به‌همین سبب مفهوم منطقه نیز در قالب مفهوم شبکه منطقه‌ای باز تعریف می‌شود که با خود دلالت‌های خاص را در پی خواهد داشت.

۱-۲. نظریه گفتمان

نظریه گفتمان اساسا در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. اگرچه زبان‌شناسی مدت‌ها از تحلیل گفتمان غافل مانده بود؛ اما در سال ۱۹۵۲، زلیگ

هریس، زبان‌شناس ساختگرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگتر از «جمله» را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامگذاری کرد (حسنی‌فر، ۱۳۹۳: ۴۸). گفتمان در اینجا نظام معنایی بزرگتر از زبان است و هر گفتمان بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنها شکل می‌دهد. هر گفتمانی از مجموعه‌ای از نشانه‌ها تشکیل شده است. همه نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. مهمترین این نشانه‌ها دال «مرکزی» است؛ دال مرکزی نشانه ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. در نظریه گفتمان لاکلا و موفه هویت جمعی یا تشکیل گروه و هویت سوژه تحت اصول مشترکی شکل می‌گیرند؛ اما مرز میان این دو نوع هویت کدر و مبهم است. هویت سوژه و هویت گفتمان یا هویت جمعی هر دو به واسطه تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. هویت سوژه به واسطه تعارض میان ناخودآگاه او و اجتماع اطرافش شکل می‌گیرد و هویت گفتمان به واسطه دشمن و غیر. در حقیقت، هویت به واسطه غیریت و غیریت‌سازی شکل می‌گیرد. در مباحثی که درباره نظریه گفتمان لاکلا و موف تاکنون ارائه شده، مبارزه بر سر خلق معنا همواره نقشی محوری داشته است. در چارچوب این نظریه، نزاع و تقابل بر کل جامعه سایه انداخته و نیروی پیش‌راننده آن است. هیچ گفتمانی هرگز نمی‌تواند کاملاً شکل بگیرد و تثبیت شود؛ زیرا هر گفتمانی در نزاع با گفتمان‌های دیگری است که سعی دارند واقعیت را به گونه‌ای دیگر تعریف کنند و خط و مشی‌های متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه کنند. غیریت‌سازی‌های اجتماعی وقتی پیدا می‌شوند که هویت‌های متفاوت همدیگر را نفی و طرد می‌سازند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

در مجموع رهیافت گفتمانی، بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر و کارگزار اجتماعی از قبل موجود در شکل‌گیری و تعریف معانی و هویت‌ها تمرکز دارد. به بیان دیگر، نزد تحلیل‌گر گفتمانی، هویت در گردونه تنیده

شده از استمرارها و عدم استمرارها، سنت‌ها و بدعت‌ها، تکرارها، انقطاع‌ها و در رابطه‌ای بر تافته از مناسبات در زمانی و هم‌زمانی، جانشینی و هم‌نشینی، سازواره و ناسازواره، عقلانی و غیرعقلانی شکل می‌گیرد (از این دیدگاه، معنی‌یابی یا هویت‌یابی محصول موقعیت، منزلت و جایگاه سوژه است) که بر ساختگی بودن آن دلالت دارد. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست؛ بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است؛ بنابراین معنا از ماهیتی قراردادی برخوردار است و هویت خود را در بستر گفت‌وگوها کسب می‌کند (رهبری، ۱۳۸۶: ۹۵-۹۴).

۳-۱. گفت‌وگوهای رقیب در شکل‌دهی به منطقه‌گرایی در خاورمیانه

انقلابات حاصل کنش جمعی است که البته نیروها و گفت‌وگوهای مختلفی را در درون خود پرورش می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. این انقلاب حاصل همراهی جریان‌های سیاسی مختلفی بود که از دوره مشروطه به بعد تلاش داشتند با استفاده از تحولات به‌وجود آمده در جامعه اروپایی نهاد سلطنت را به سمت قانون‌پذیری بیشتر سوق دهند. وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نیز از این دریچه قابل تحلیل است؛ بنیان این انقلاب از ابتدا دو هدف را به‌عنوان اهداف اصلی سر لوحه جنبش سیاسی و اجتماعی خویش قرار دادند این دو هدف عبارت بودند از مقابله با استبداد داخلی و سلطه خارجی. البته الگوی مقابله با سلطه به سطح محیط بیرونی سیستم ایران یعنی خاورمیانه نیز کشیده شده است و همین امر باعث شده ایران از ابتدای انقلاب تلاش برای گفت‌وگوهای سازشی در سطح جهان اسلام را داشته باشد که البته با رقبای گفت‌وگومانی دیگری نیز روبه‌رو شده است. با این اوصاف می‌توان گفت در حال حاضر گفت‌وگوهای مختلف منطقه‌گرایی در جهان اسلام به‌دنبال شکل‌دهی به منطقه مورد نظر خویش هستند. که این گفت‌وگوها عبارت‌اند از:

- گفت‌وگوهای شیعه انقلابی ایران؛

- گفت‌وگوهای اخوان المسلمین مصر؛

- گفت‌وگوهای سلفی عربستان سعودی.

علاوه بر تفاوت‌های ذکر شده در بالا می‌توان گفت گفتمان منطقه‌گرایی ایران در چهار محور با گفتمان منطقه‌گرایی اخوانی ترکیه و سلفیسم عربستان سعودی در تقابل قرار دارد. که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

- اسلام سیاسی در برابر سکولاریسم؛
 - نوع مواجهه با اسرائیل؛
 - رهبری منطقه‌ای؛
 - ملت‌باوری در برابر امت‌باوری؛
 - نوع رویکرد نسبت به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا (بشیر، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۳).
- الگوی شیعه انقلابی ایران ریشه در اندیشه‌های حاکم بر انقلاب اسلامی دارد و اسلام سیاسی در مرکز این گفتمان قرار دارد این در حالی است که در گفتمان اخوان‌المسلمین ترکیه و حتی سلفیسم عربستان سعودی نوعی سکولاریسم تخفیف داده شده نهادینه شده است. حمایت قاطع از ملت فلسطین با هدف محو اسرائیل از عناصر اصلی شکل دهنده به گفتمان انقلاب اسلامی است. این در حالی است که دو گفتمان اخوان‌المسلمین ترکیه و سلفیسم عربستان سعودی به‌دنبال مواجه‌جویی با اسرائیل نیستند و در بهترین حالت به‌دنبال بازگشت اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ هستند. درواقع ایران با اندیشه و آرمان دو دولت در سرزمین‌های اشغالی شدیداً مخالف است؛ این در حالی است که دو کشور فوق به‌دنبال ایجاد یک دولت فلسطینی در کنار دولت کنونی اسرائیل در سرزمین‌های ماقبل اشغال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل هستند. روابط دو کشور اسرائیل و ترکیه در دهه نود با امضای موافقتنامه همکاری‌های استراتژیک در سال ۱۹۹۶ م به‌ویژه در حوزه امنیتی گسترش یافت (Bengio, 2004: 2).

طرد نیروهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه هژمونی بدخیم غربی از جمله آمریکا از عناصر اصلی شکل دهنده به مبانی گفتمانی انقلاب اسلامی است که خود ریشه در استقلال‌گرایی ایران دارد. البته ایران در این راستا از بازگشت به هویت اصیل اسلامی سخن به‌میان می‌آورد؛ این در حالی است

که عربستان سعودی نه تنها به دنبال طرد نیروهای خارجی از منطقه نیست؛ بلکه همچنان با رویکرد اتحادمحور خویش به دنبال حفظ رابطه با غرب از جمله آمریکا است. ترکیه نیز همچون عربستان سعودی بی‌میل به حضور آمریکا در خاورمیانه نیست به خصوص که نسبت به رفتارهای اخیر این کشور انتقاداتی دارد؛ اما با عضویت در ناتو همچنان به عمل‌گرایی ترکی پایبند مانده است (بشیر، ۱۳۸۸: ۸۴).

ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه با استفاده از انگاره اخوانی برای نفوذ و اثرگذاری در محیط خاورمیانه استفاده کند. البته الگوی ترکی، نوع کاملاً رقیق شده الگوی اخوانی مدنظر حسن البنا می‌باشد؛ چراکه رهبران حزب عدالت و توسعه به مفهوم اسلام سیاسی باور ندارند و همچنان به آرمان آتاتورک یعنی سکولاریسم پایبند هستند. در مورد عربستان نیز بایستی خاطر نشان کرد که گفتمان منطقه‌ای عربستان سعودی از سه منظر مذهبی، قومی و ژئوپلیتیک کاملاً در تضاد با جمهوری اسلامی ایران است (نجفی‌فیروزجایی، ۱۳۸۸). آنها از نظر تاریخی و دینی در تضاد با ایرانیان هستند و تلقی سلطنت سکولاریسم آنها این تضاد را تشدید می‌کند و آنچه باعث وضعیت تقابلی بیشتر گفتمانی با ایران می‌شود مربوط به رقابت‌های منطقه‌ای سیاسی و ژئوپلیتیک است. ضمن آنکه نسبت به نقش و نفوذ قدرت‌های بیرونی در امور خاورمیانه نیز دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی دارند (نجفی‌فیروزجانی، ۱۳۸۸). با انجام اصلاحات اجتماعی که در عربستان انجام شده است، به نظر می‌رسد در آینده شاهد وقوع اصلاحات سیاسی در این کشور باشیم و نهایتاً این کشور به سمت یک پادشاهی مشروطه و سکولار گرایش پیدا کند که کاملاً در تضاد با مدل مبتنی بر اسلام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

دو. شبکه‌سازی منطقه‌ای ایران

۱-۲. تحقق گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی با ایجاد شبکه ژئوپلیتیک

شبکه‌سازی مستلزم پیوند خرده سیستم‌های موجود، ائتلاف‌سازی با واحدهای درگیر در ۵۹

این شبکه می‌باشد. این پیوند و ائتلاف‌سازی دارای ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیک است. ایران بخاطر موقعیت ژئوپلیتیک توان شبکه‌سازی را خواهد داشت، از جمله ایفای نقش پیوندی بین آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی (Ghasemi, 119: 2007). در حوزه نظامی - امنیتی ایران از استراتژی بازدارندگی برای خنثی‌سازی تهدیدات موجود در محیط پیرامونی خود بهره می‌برد. البته اجرای این راهبرد با توجه به تهدیدات و کارگزاران تهدید متفاوت می‌باشد: الف) بازدارندگی مثلی؛ ایران در برابر تهدیدات ناشی از ناحیه هژمون از بازدارندگی مثلی بهره می‌برد که به معنای تهدید متحدان هژمون است. ب) بازدارندگی دوجانبه و متقابل؛ بازدارندگی متقابل در مقابله با رقبا قابلیت استفاده دارد. ایران با این بازدارندگی سعی به اقناع رقبا برای بازداري از حمله دارد. پ) بازدارندگی یک‌جانبه؛ ایران در برابر رژیم صهیونیستی و به‌طور کلی دشمنان استراتژیک خود و همچنین بازیگران فراملی مثل داعش از استراتژی یک‌جانبه بهره می‌گیرد که خود شامل تهدیدات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه (ت) بازدارندگی شبکه‌ای؛ با توجه به پیچیدگی حاکم بر منطقه غرب آسیا یک ضرورت استراتژیک است (قاسمی و فرجی‌راد، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

در شبکه‌سازی، هدف اساسی پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک با یکدیگر می‌باشد؛ به گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تاثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آنها را بر می‌انگیزاند و از این طریق هزینه اقدام دشمن شدیداً افزایش می‌یابد و دشمن را از حمله منصرف می‌کند (Ghasemi, 2011: 391). ایران از شبکه ژئوپلیتیک منطقه‌ای‌اش با هدف مهار رقیب در محیط خاورمیانه استفاده می‌کند. در این راستا ایران در ابتدایی‌ترین سطوح یک منطقه جغرافیایی را ایجاد کرده، سپس یک منطقه ژئوپلیتیک به‌وجود آورده و در نهایت در بالاترین سطح، در تلاش است یک سازه ژئوپلیتیک به‌عنوان پدیده‌ای ادراکی به‌وجود آورد (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۸: ۷۳). بنابراین برای نیل به‌سوی جغرافیای قلمروخواهی فراملی کشورها با در نظر گرفتن اشتراک یا تضاد منافع آنها

در قالب همگرایی‌ها و واگرایی‌ها و مرزهای مشترک نفوذ تجلی می‌یابد. هر مقدار که تضاد یا تعارض در منافع مشترک کاهش یابد موقعیت برای تبدیل شدن به منطقه جغرافیایی منسجم مهیا می‌شود. البته این فعل و انفعالات در سطح منطقه جغرافیایی بیشتر ناشی از موقعیت طبیعی کشورها می‌باشد. این موقعیت و جایگاه طبیعی این کشورهاست که سیاست‌ها را در منطقه جغرافیایی مشخص تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین همگرایی‌ها یا واگرایی‌ها با نگاهی تاریخی دنبال می‌شود. از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون ایران تلاش کرده است یک سازه و شبکه ژئوپلیتیکی ایجاد کند. حضور ایران در منطقه شامات با هدف ایجاد نوعی بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی با همراهی و اتحاد کشورهایی چون سوریه، لبنان و گروه‌های فلسطینی با این رویکرد است؛ چراکه از نظر ایران، رژیم صهیونیستی خطری علیه کلیت تمدن اسلامی است. درواقع ایران در تلاش است نوعی ادراک را در جهان اسلام نسبت به حضور آمریکا و اسرائیل در این منطقه به‌وجود آورد. راهبرد ایران در این راستا مرحله‌ای و تدریجی بود. در ابتدا ایران سراغ کشورهایی رفت که به صورت مستقیم توسط اسرائیل تهدید می‌شدند و از زمان شکل‌گیری این رژیم از تهاجم نظامی آن آسیب دیده بودند. یعنی سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی. درواقع ایران از طریق موضوع تهدید اسرائیل و حضور آمریکا در منطقه میان کشورهای فوق پیوندی را ایجاد کرد که امروز به شبکه‌ای قدرتمند در منطقه بدل شده است. در این شبکه ایران، عراق، سوریه، همراه با روسیه به‌عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای در کنار حزب‌الله، گروه‌های مقاومت فلسطینی و حوثی‌های یمن به‌عنوان بازیگران فروملی و غیردولتی در یک جریان ارتباط ملی می‌باشند؛ البته در برابر شبکه ژئوپلیتیک ایران و تلاش برای ایجاد سازه ژئوپلیتیکی، شبکه دیگری متشکل از عربستان، رژیم صهیونیستی، بحرین، همراه با آمریکا به‌عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای در کنار گروه‌هایی مانند، جبهه النصره، داعش، جیش‌الاسلام، جیش‌الفتح، ارتش آزاد سوریه و القاعده است که با استفاده از شبکه‌سازی به‌دنبال ایجاد سازه ژئوپلیتیکی در برابر ایران هستند (قاسمی و فرجی‌راد، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

نفوذ ایران در حکومت سوریه، لبنان از طریق حزب الله و وجود یک دولت شیعی در عراق بعد از صدام ۲۰۰۳، باعث شده که ایران به راحتی و از طریق زمین در کنار مرزهای اسرائیل حضور داشته باشد (به طوری که از این طریق هم قادر است سلاح های مورد نیاز حزب الله لبنان و حماس در فلسطین را تامین کند و جنگ با اسرائیل را از مرزهای خود دور و در منطقه ای دورتر از مرزهای سرزمینی خود عملیاتی کند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تغییر رویکرد نخبگان ایرانی، اسرائیل به عنوان یک دولت- ملت نامشروع و عامل استعمار کهن در منطقه خاورمیانه شناخته می شود چراکه بخشی از جهان اسلام یعنی سرزمین های فلسطین را اشغال کرده و با طرح بلندپروازی های مختلف از جمله ایده نیل تا فرات یک تهدید امنیتی جدی برای ایران در آینده تبدیل می شود. بنابراین ایران از طریق شکل دهی به ایده محور مقاومت سعی در مقابله با این تهدید دارد. ایده محور مقاومت بعد از انقلاب ایران در ۱۹۷۹ شکل گرفت و بنیاد اندیشه ای آن بسط داده شد. به طوری که در حال حاضر به یک گفتمان در سیاست خارجی ایران تبدیل شده و دولت های مختلفی که در ایران سرکار می آیند اعم از اصول گرا، اصلاح طلب یا اعتدال گرایان ملاحظات مربوط به محور مقاومت اسلامی را از نظر دور نمی دارند و با تمامی ابزارهایی که در اختیار دارند تلاش می کنند تا از این ایده دفاع کنند.

ایران با شکل دهی به شبکه منطقه ای به دنبال بسترسازی نوع رابطه با دولت های درون و برون منطقه است؛ همین امر باعث کنش و واکنش میان شبکه منطقه ای ایران و شبکه منطقه ای عربستان سعودی در قالب الگوهای رقابت، تعارض و حتی گاهی همکاری شده است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱). الگوسازی ایران حول محور مقاومت اسلامی در این راستا تبیین می شود. اگرچه ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای که داعیه تمدنی نیز دارد از طریق این مفهوم سازی توانسته حوزه نفوذ خود را از خلیج فارس به منطقه شامات گسترش دهد، به خصوص که منطقه خاورمیانه همچنان در مرحله عصر جنگ سردی به سر می برد و کشورهای منطقه بیشتر به دنبال نفوذ در کشورهای کوچک تر منطقه و یارگیری از طریق اتحاد و ائتلاف های سیاسی هستند چیزی که

ایران نیز از آن مستثنی نیست و از این طریق دایره نفوذ خود را به مناطق دور دست مرزهای ایران از جمله سوریه، فلسطین و لبنان از طریق حزب‌الله گسترش داده و باعث واکنش جدی از سوی عربستان سعودی و ترکیه شده و دو کشور را به‌منظور مهار قدرت ایران در کنار هم قرار داده است؛ حتی اسرائیل نیز به‌طور ضمنی به این ائتلاف پیوسته است.

در ارتباط با ایجاد یک سازه ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران گام‌های اولیه را برداشته است و در نتیجه موفق شده کشورهایی همچون سوریه، لبنان، عراق، فلسطین اشغالی و اخیراً ترکیه و قطر و تا حدودی عمان را با خود همراه کند؛ البته هنوز به مرحله ایجاد یک سازمان یا نهاد فراگیر نرسیده است. درواقع جمهوری اسلامی ایران، ورای یک دولت-ملت به‌عنوان یک حرکت اسلامی در منطقه معرفی شده که هدف آن مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفین و ستمدیدگان جهان است. این بعد جمهوری اسلامی ایران، تعریف‌کننده مشخصه انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک موجودیت اسلامی و حتی بشری است. انقلاب اسلامی ایران نمی‌تواند به مرزهای ملی ایران محدود شود و به‌همین دلیل، حمایت از گروه‌های آزادیبخش در سراسر جهان را به‌عنوان یکی از مهمترین اهداف انقلابی خود دنبال می‌کند. این ویژگی یکی از مهمترین دلایل نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران در میان افکار عمومی کشورهای منطقه خاورمیانه و جهان است که سبب شکل‌گیری هویتی خاص برای آن شده است. هویت ایران به‌عنوان یک کشور انقلابی و اسلامی سبب شده تا برخی سیاست‌ها که در ابتدای امر بر خلاف عقلانیت مرسوم در نظام بین‌الملل است، تعریف و دنبال شوند. ممکن است برخی از سیاست‌های ایران (حمایت از برخی گروه‌های خاص)، محدودیت‌هایی را جهت پیگیری سایر اهداف سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند؛ ولی از آنجا که این سیاست‌ها در راستای هویت انقلابی اسلامی ایران است، همچنان پیگیری می‌شوند (نیاکوبی و ستوده، ۱۳۹۴: ۹۵).

۲-۲. تحقق گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی با ایجاد شبکه ژئواکونومیک

از سال ۱۹۸۹ تاکنون که به «ژئوپلیتیک پست‌مدرن» معروف است اندیشه‌های ژئوپلیتیکی

شکل گرفته‌اند که به‌نظر می‌رسد ایده «ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری» ادوارد لوتواک^۱، بیش از دیگر تئوری‌ها به واقعیت نزدیک است. لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد، درواقع، نشان دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به‌سمت ژئواکونومی است (Lutwak, 1990: 125). به‌عبارت دیگر وی خبر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود می‌دهد که در آن، عوامل اقتصادی، جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست؛ بلکه در کنار هر تنشی، یک عامل اقتصادی، خودنمایی می‌کند. لوتواک در مقاله خود، این چنین استدلال می‌کند که تنها زمانی منطق تجارت، قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت بر خورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشند (Ibid, 126). در عصر ژئواکونومی، وسایل و علل مناقشه، ماهیتی اقتصادی پیدا می‌کند و در صورتی که منازعات و اختلافات تجاری، منجر به کشمکش‌های سیاسی شود، چنین درگیری‌هایی را می‌بایست با استفاده از ابزار اقتصادی، حل‌وفصل نمود که از جمله این ابزارها می‌توان به محدودیت واردات، در نظر گرفتن یارانه در خصوص صادرات، تامین اعتبارات فناوری طرح‌های رقابتی، حمایت از روش‌های آموزشی، شرایط زیرساخت‌های رقابتی و غیره اشاره کرد (Lutwak, 1990: 128). همان‌طور که گفته شد در تفکر ژئواکونومی، نفوذ و رخنه در بازارها جایگزین پایگاه‌های نظامی خارج از کشور قدرت‌های بزرگ می‌شود (عزتی، ۱۳۸۰، ۱۰۸). در این میان، انرژی، و شبکه‌های ریلی و... از مهمترین عنصر در رقابت‌های ژئواکونومی است که موضوع ژئوپلیتیک انرژی را به‌وجود آورده است.

از این‌رو منابع تامین انرژی و مسیرهای انتقال انرژی هیدروکربنی، اعتبار ویژه‌ای پیدا کرده است. رودلف کلین، یکی از ویژگی‌های پنج‌گانه کشور به‌عنوان یک واحد قدرتمند را «ژئوپلیتیک»^۲ می‌داند که منظور وی مشخصات جغرافیایی است (Glassner, 2004: 271 & Fahrer). وی درواقع

1. Edward Luttwak.
2. Geopolitic.

معتقد است که یکی از سطوح حکومت، «فیزیوپولیتیک» است که به ظرفیت و ذخایر طبیعی یک کشور اشاره دارد (Anderson & Anderson, 1998: 2). به عبارت دیگر با تولد واژه ژئوپولیتیک، کلین به‌نوعی ژئوپولیتیک انرژی و اهمیت آن در پایداری حیات دولت‌ها و مناسبات میان آنان اشاره کرده است.

به نظر می‌رسد منابع انرژی به‌عنوان یکی از مهمترین متغیرهای ژئوپولیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند انرژی و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، و نیز فناوری‌ها و ابزارهای تولید، فناوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی داری ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار، انرژی را به موضوع ژئوپولیتیکی مهمی تبدیل نموده است؛ زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن ترکیب سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). به همین خاطر ایران از طریق عامل انرژی به‌دنبال بسط نفوذ اقتصادی خود در منطقه از طریق شکل‌دهی به شبکه‌ای از خاورمیانه تا آسیای مرکزی است که البته رقاباتی چون ترکیه را نیز در کنار خود می‌بیند؛ برای مثال درحالی‌که ناباکو به‌عنوان یک طرح اروپایی قصد تجمیع منابع انرژی خاورمیانه و آسیای مرکزی را داشت و ایران بخشی از سهام آن را داشت؛ اما از سال ۲۰۰۸ به‌دنبال فشارهای آمریکا ایران از این طرح کنار گذاشته شد و ترکیه از آن به بعد تلاش کرده بدون حضور ایران منابع انرژی دو منطقه را به اروپا انتقال دهد. ایران که با وجود موقعیتی بی‌نظیر در تنگنایی ژئوپولیتیک قرار گرفته بود به‌دنبال صادر کردن منابع انرژی خود از طریق مسیر خاورمیانه و از طریق کشورهای عراق، سوریه، لبنان و در نهایت دریای مدیترانه و از آنجا به اروپا در قالب خط لوله پرشین یا اسلامی بود؛ اما وقوع بی‌ثباتی و ناآرامی در سوریه آینده این طرح را نیز به‌خطر انداخته است. موافقتنامه انتقال گاز میان ایران، عراق و سوریه در جولای ۲۰۱۱ امضا شد و هزینه اجرایی این طرح ۱۰ میلیارد دلار برآورد شد و قرار شد در طی ۳ سال نهایی شود و از عسلویه تا دمشق و با

عبور از خاک عراق باشد. طرح نهایی ایران انتقال گاز از دمشق به بنادر لبنان در دریای مدیترانه و از آنجا به اروپا است (Kemal, 2011: 335-339).

درواقع در این طرح، خط لوله انتقال گاز به طول چهار هزار و نهصد کیلومتر، گاز ایران را از طریق عراق، سوریه و دریای مدیترانه به یونان و ایتالیا و بقیه اروپا انتقال می‌دهد. روابط خوب سیاسی ایران با عراق و سوریه می‌تواند بر نهایی شدن خط لوله بیفزاید. در این راستا هر چند مسیر نهایی خط لوله مشخص نیست؛ ولی مسلماً مشکلات امنیتی مرز عراق با سوریه در کنار مشکلات کنونی اتحادیه اروپا با تهران و تردیدهای اروپا نسبت به توان صادرات بالای ایران می‌تواند به عنوان چالشی در راه نهایی شدن خط لوله مطرح گردد. البته باید توجه داشت مزیت‌های این خط لوله همچون کاهش احتمال کناره‌گیری سوریه و عراق به دلیل فشارهایی آمریکا از این طرح با وجود روابط حسنه با ایران، استفاده از خط لوله گاز توسط بغداد و دمشق، درآمدهای ترانزیتی بالای عراق و سوریه و حتی یونان و ایتالیا از قبل خط لوله، وجود مشکلات بنیادین در روابط ترکیه - یونان و افزایش توجه آن به عدم وابستگی زیاد به گاز ترانزیتی ترکیه، توجه بیشتر اتحادیه اروپا به مدنظر قرار دادن راه‌هایی به‌جای ترکیه و روسیه برای واردات گاز و... همگی می‌تواند عواملی باشد تا این خط لوله با جدیت بیشتری مدنظر کشورهای مختلف باشد (حسن‌تاش، ۱۳۸۵: ۵).

علاوه بر مشکلاتی که در بالا به آن اشاره شد می‌توان به معضلات اجرایی این طرح حکومت بی‌ثبات کنونی عراق و سوریه، اختلاف ایران و قطر در حوزه‌های گازی مشترک (Escobar, 2012) و درنهایت فقدان منبع سرمایه‌گذاری قابل اتکا را نیز افزود. قطر مایل به استفاده از مسیر ترکیه برای انتقال گاز به اروپا است؛ زیرا این کشور در جبهه غرب قرار دارد و طبیعی است که با این طرح ایران مخالف باشد. یکی دیگر از موانع اجرایی این طرح کشف میدان گازی قرا در اگوست ۲۰۱۱، نزدیک مرز با لبنان و کنار پایگاه نیروی دریایی روسیه در مدیترانه تحت عنوان تراتوس است (Daily Star, 2011). علاوه بر این مشکلات فدرالیسم در عراق و سوریه می‌تواند در آینده

یکی از چالش‌های احتمالی پیش روی اجرایی شدن این طرح از سوی ایران باشد.

از دیگر اقدامات ایران برای پیشبرد منطقه‌گرایی با استفاده از شبکه‌سازی ژئواکونومیک وصل کردن شبکه ریلی خود به کشورهای منطقه است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران شبکه ریلی با کشورهای منطقه از جمله ترکیه، پاکستان، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان از طریق نخجوان دارد. طی ۱۵ سال گذشته ایران ظرفیت ریلی خود را ۲ برابر کرده است. در حال حاضر ۹۰۰۰ کیلومتر شبکه ریلی ایران است و تا ۲۰۲۰ برنامه این است که به ۲۵۰۰۰ کیلومتر برسد. ایران برنامه‌هایی برای اتصال شبکه ریلی و راه‌آهن با ارمنستان، آذربایجان، عراق و سوریه دارد. جایی که از طریق آن می‌تواند به اروپا دسترسی داشته باشد.

جدول شماره ۱: شبکه ریلی ایران با برخی از کشورهای منطقه

نام شبکه ریلی	مسیر	توضیحات
ایران - ترکیه	تا دریاچه وان ترکیه	
ترکیه - سوریه	میدان اکبوس-قامیشی(نصیبین)	به صورت مشترک استفاده می‌شود
ترکیه-عراق	استانبول- بغداد- دمشق	در حال حاضر بلا استفاده است
ایران-عراق	خرمشهر- شلمچه- بصره: کرمانشاه- قصر شیرین- خسروی	در حال حاضر کار نمی‌کند

ارتباط ریلی بین ترکیه و ایران از طریق ترن موسم به ترانس آسیا امکان‌پذیر است. این ترن در مسیر استانبول- وان- تبریز- تهران و بالعکس فعالیت می‌کند. قطار ترانس آسیا هفته‌ای یک‌بار بین استانبول و تهران تردد می‌کند. این ترن در برخی ایام هفته‌ای دو بار بین تهران- استانبول

به حمل مسافر می‌پردازد. خطوط ریلی ایران- ترکیه در دریاچه وان واقع در شرق ترکیه به انتها می‌رسد و مسافرین این مسیر از طریق فری بوت به سمت دیگر دریاچه رفته و با تعویض قطار به مسافرت خود ادامه می‌دهند. خط محلی تبریز وان نیز هفته‌ای یکبار بین دو شهر تردد می‌کند (تقدیسی و کاظمی، ۱۳۸۳: ۹). ایران همچنین برنامه‌هایی را برای اتصال شبکه ریلی‌اش به شبکه ریلی کشورهای سوریه و عراق دارد. اتصال شبکه ریلی ایران با عراق برای طرفین مزایای زیادی را به همراه خواهد داشت؛ چراکه کشور عراق می‌تواند از طریق شبکه ریلی جمهوری اسلامی ایران افزون بر اتصال به کشورهای مشترک‌المنافع آسیای مرکزی، پاکستان و افغانستان از ۷ بندر بزرگ جنوبی ایران نیز استفاده کند. به‌علاوه، با اتصال این خطوط، مبادلات کالا بین دو کشور به ۱/۵ میلیون تن در سال خواهد رسید. عملیات اجرایی این طرح در داخل ایران به پایان رسیده است و بخش عراقی نیز با ۳۵ کیلومتر به زودی به بهره‌برداری می‌رسد. محور شلمچه بصره علاوه بر صرفه اقتصادی و تسهیل دسترسی ایران به عراق، تعداد مسیرهای دسترسی ایران به کشورهای اروپایی و آفریقایی را افزایش می‌دهد و از این جهت نیز دارای اهمیت است؛ زیرا با اتصال این ریل به راه‌آهن عراق و از آن سو به سوریه و اردن، راه ریلی ایران به اروپا، مدیترانه و آفریقا باز خواهد شد. یکی از محورهای اتصال شبکه ریلی ایران به شبکه ریلی خاورمیانه، محور اراک کرمانشاه خسروی عراق یا همان کریدور غرب، از ۱۰ سال پیش تاکنون در دستور کار ایران و عراق قرار گرفته است؛ اما همچنان در مرحله طرح باقی مانده است. عملیات اجرایی این طرح که اوایل سال ۸۰ آغاز شده، به دلایل گوناگون از جمله کمبود بودجه، تنها تا شهر ملایر پیش‌روی کرده است. این کریدور که به‌نوعی بر جاده ابریشم منطبق است، یکی از محورهای با اهمیت ایران به‌شمار می‌رود که از نظر ترانزیتی می‌تواند نقش ایران را در بازارهای منطقه‌ای و جهانی تثبیت کند، به‌گونه‌ای که کالاهای ترانزیتی چین و آسیای مرکزی را از طریق قلمرو ایران به حوزه‌های قفقاز، آسیای غربی، حوزه دریای مدیترانه منتقل و از آن سو کالاهای تولیدی در این نواحی را به بازارهای آسیای مرکزی و چین ترانزیت می‌کند. این مسیر ریلی به طول ۶۱۰ کیلومتر

بخشی از کریدور ترانزیتی شرق به غرب است که از شهرهای همدان، ملایر، اراک، کرمانشاه و مرز خسروی می‌گذرد. این محور در خاک عراق تا خانقین در نزدیکی مرز خسروی کشیده شده است که در صورت اتمام ساخت راه و توافق طرفین، می‌توان راه‌آهن دو کشور ایران و عراق را در مرز خسروی به یکدیگر متصل کرد. راه‌آهن عراق به کشورهای سوریه و اردن نیز متصل است و به این ترتیب با ساخت راه‌آهن غرب، شبکه ریلی ایران به دریای مدیترانه ارتباط پیدا خواهد کرد. این طرح از زمان اجرایی شدن تاکنون فقط ۱۰ درصد پیشرفت نزدیک به ۱۰ سال از زمان اجرای طرح راه‌آهن غرب می‌گذرد؛ اما این راه‌آهن تاکنون پیشرفت داشته است؛ چراکه بر خلاف راه‌آهن عراق که تعهد خود در تکمیل رینگ ریلی ایران اروپا به انجام رسانده، ساخت بخش ایرانی این مسیر هنوز در مراحل ابتدایی است. این مسیر پیش از انقلاب اسلامی طراحی شده و قرار بود از طریق کرمانشاه تا مرز خسروی خط آهن کشیده شود و دولت عراق نیز متعهد شده بود که بخش دیگری از ریل‌گذاری را انجام دهد تا از آن مسیر امکان اتصال به اروپا برای ایران فراهم شود.

به‌همین ترتیب ایران قصد دارد شبکه‌ای ژئواکونومیک در منطقه از طریق پیوند زدن موضوع برق ایجاد کند به‌خصوص که در حال حاضر ایران به‌عنوان بزرگترین دارنده شبکه تولید برق در منطقه خاورمیانه و از نظر ظرفیت تولید برق، سیزدهمین کشور بزرگ تولید کننده این انرژی در جهان است. همین امر باعث افزایش توان صادراتی ایران در مقایسه با کشورهای همسایه شده است؛ برای مثال در سال ۱۳۹۲ در مجموع ۱۰۷۹۳ میلیون کیلووات ساعت برق از ایران به کشورهای همسایه صادر شده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۵ درصدی را نشان می‌دهد. در یازده ماه گذشته، از سال جاری در مجموع ۳۵۰۷ میلیون کیلووات ساعت نیز برق از کشورهای همسایه وارد شده که این رقم نیز در مجموع ۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته است. ایران در سال ۹۱ در مجموع ۱۱ میلیارد و ۵۴ میلیون کیلووات ساعت برق به کشورهای همسایه صادر می‌کند. ایران برنامه‌هایی را برای صادرات برق در آینده در دستور کار قرار داده است از جمله اتصال شبکه برق خود به شبکه برق کشورهای خلیج فارس

به‌ویژه امارت متحده عربی از مسیر یک کابل زیر دریایی در منطقه خلیج فارس به این کشور عربی متصل خواهد شد. در حال حاضر حجم صادرات برق به کشور عراق به بالاترین میزان در چند سال گذشته رسیده است. در حال حاضر حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ مگاوات برق توسط ایران به عراق صادر می‌شود. بر طبق توافق بین ایران و عراق حدود ۱۰۰ مگاوات از برق صادر شده به عراق از خاک این کشور همسایه به کشورهای سوریه و لبنان ترانزیت شود. همچنین مذاکرات با سوریه برای ترانزیت برق ایران از خاک این کشور به لبنان مورد توجه است: با سنکرون شبکه برق ایران، عراق، لبنان و سوریه بزرگترین شبکه انتقال برق جهان اسلام راه‌اندازی خواهد شد. با ایجاد این شبکه وسیع برق ایران قابلیت انتقال به سواحل دریای مدیترانه را پیدا می‌کند (شیرین، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲-۳. تحقق گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی با ایجاد شبکه ژئوکالچری

به‌طور کلی الگوی روابط در غرب آسیا بر محور رقابت بین بازیگران مرکزی این منطقه می‌باشد و تنوعی از رقابت را در بر می‌گیرد. اول از همه یک تنش ایدئولوژیک شدید در غرب آسیا بین کشورهای مسلمان با رژیم صهیونیستی وجود دارد. در کنار این تنش در درون ایدئولوژی اسلامی نیز نوعی رقابت درون ایدئولوژیکی بین کشورهای مسلمان، در چارچوب ایدئولوژی شیعه و سنی وجود دارد. در نتیجه تفسیرهای مختلفی که از اسلام به‌ویژه نوع سنی و شیعی آن وجود دارد نظم سلفی سنی با نظم شیعی در تقابل قرار گرفته و شاهد انشقاق هویتی جدی در منطقه خاورمیانه هستیم. این انشقاق هویتی قرارگیری مسلمانان با ترکیب‌های مختلف شیعه و سنی در کنار یکدیگر است که زمینه را برای نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم می‌آورد. جمعیت منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر است که اکثر آنها سنی مذهب هستند. از این نظر منطقه خاورمیانه شدیداً با نابسامانی روبه‌رو است؛ اگرچه کشورهای منطقه بر طبق نگاه ساموئل هانتینگتون در قلمرو تمدن اسلامی قرار دارند؛ اما برداشت‌های متفاوت از دین اسلام باعث تضادهای جدی هویتی در منطقه شده است. این امر به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران شکل جدی به خود گرفته است. درحالی‌که ایران نماینده اسلام انقلابی است، عربستان سعودی نماینده اسلامی محافظه‌کار و سنی

است. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران نوعی نظم سنی بر منطقه حاکم بود؛ اما از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران تاکنون، شیعه به‌عنوان عاملی تاثیرگذار در حیطه‌های داخلی و خارجی کشورهای منطقه و یکی از ریشه‌های نظم‌سازی در منطقه خود را نشان می‌دهد. در حال حاضر نیز به‌استثنای ایران، سوریه و تا حدی عراق پس‌اصدام، شیعیان در این کشورها در اقلیت محسوسی از لحاظ سهمیم بودن در عرصه قدرت سیاسی- حکومتی قرار دارند. شیعیان در برخی از مناطق خاورمیانه در محرومیت شدید قرار داشته‌اند و میزان سرکوب این اقلیت توسط اکثریت سنی تا حدی بوده است که آنان را «مسلمانان فراموش شده» (Francke and Fuller, 1999: 170) می‌نامیدند. تاثیر انقلاب اسلامی ایران در ساختن یک شبکه مقاومتی انکارناپذیر است (Nasr, 2006: 16). در نتیجه ایران با استفاده از ظرفیت‌های ژئوکالچری خویش، به‌دنبال شکل‌دهی به گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی مدنظر خویش است (قاسمی و فرجی‌راد، ۱۳۹۷). به‌خصوص یادآوری گذشته تمدنی اسلامی در منطقه خاورمیانه در دستور کار است و اساس نگاه خویش را بر محور جنگ تمدنی قرار داده است. از منظر ایران دیپلماسی تمدنی به‌عنوان یک ابزار کارآمد بر چهار محور متمرکز است:

۱. شناسایی سازمان سیاسی گذشته مشترک میان مردمان آن تمدن و تلاش برای تحقق آن؛
۲. شیوه و سبک اقتصادی آن مردمان؛
۳. سبک خاص فرهنگی و هنری مردمان آن تمدن؛
۴. معرفی سازه‌های تمدنی برجای مانده و معرفی آن با هدف انسجام اسلامی.

با هدف احیای تمدن اسلامی ایران اسلام سیاسی را به‌عنوان هدف اصلی خویش مورد توجه قرار داده است و در نتیجه از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی که علیه هژمونی غرب هستند به‌صورت صریح حمایت به‌عمل می‌آورد؛ اگرچه این امر باعث شده به جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی بر علیه نظم و امنیتی بین‌المللی نگریسته شود. در این راستا حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه مردم فلسطین در دستور کار قرار گرفت. ایران در حمایت از این گروه‌ها دو شیوه را مدنظر قرار داده است حمایت نظامی - مادی و معنوی (مسعودنیا و قربانی، ۱۳۹۰؛ ۷۱

۲۵-۹). به همین خاطر امروزه هر جنبش اسلامی که با هدف احیای هویت اسلامی و با شاخصه مقابله با هژمونی غربی دست به اقدام زند مورد حمایت مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. حمایت ایران از حزب‌الله و حماس به‌عنوان دو جنبش اسلامی در این راستا قابل توجیه است. در حال حاضر نزدیکترین الگو به حکومت جمهوری اسلامی ایران، الگوی حزب‌الله لبنان است که سرشبکه منطقه‌گرایی اسلامی است. حماس نیز بخشی از شبکه منطقه‌ای ایران است و در کنار حماس، می‌توان حتی در آینده بر علویان ترکیه نیز توجه کرد. با هدف شبکه‌سازی ژئوکالچری، ایران به جنبش اخوانی مصر، جنبش انقلابی مردم یمن و جنبش بحرین توجه دارد.

نتیجه‌گیری

منطقه‌گرایی از اروپا آغاز شد و سپس به سایر نقاط دنیا سرایت کرد. با کمی تسامح می‌توان گفت منطقه‌گرایی به‌نوعی احیای غیررسمی امپراتوری‌های گذشته با رویکرد جغرافیایی است. در جهان اسلام کشورهای منطقه هنوز درک واحدی از مفهوم منطقه‌گرایی نرسیده‌اند و هرکدام سیاست‌های خاص خود را دنبال می‌کنند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث شده که نوعی درک تمدنی نزد دولتمردان ایران شکل گیرد و با استفاده از اقداماتی که از ابتدای انقلاب تاکنون در دستور کار قرار گرفته تلاش دارند تا این بینش را عملیاتی کنند. ایران منطقه‌گرایی را با رویکرد مقابله با هژمونی غربی در جهان اسلام دنبال می‌کند. ابزارهای ایران برای دستیابی به این هدف از طریق شبکه‌سازی ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی است. در همه مدل‌های فوق، جغرافیا عنصر مشترک است. با این وجود برای اهمیت پیدا کردن می‌بایست با عنصر دیگری ترکیب شود که در ژئوپلیتیک عنصر سیاست، در ژئوکالچر عنصر فرهنگ و در ژئواکونومیک عنصر اقتصادی دخیل است. با استفاده از شبکه‌سازی حول این موضوعات جمهوری اسلامی موفق شده شبکه‌ای را (سوریه، لبنان، عراق و گروه‌هایی مثل حزب‌الله و حماس و...) ایجاد کند که در برابر هژمونی غربی مقاومت کند.

فهرست منابع:

۱. بشیر، حسن. (۱۳۸۸)، گفتمان خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۳. عزتی، عزت‌اله. (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد. (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
۵. مسعودنیا، حسین و قربانی، سعید. (۱۳۹۳)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال چهارم، شماره یازدهم.
۶. رشید، احمد. (۱۳۸۷)، جهاد اسلام پیکار جو در آسیای میانه، مترجم جمال آرام، تهران: عرفان.
۷. حسنتاش، سیدغلام‌حسین. (۱۳۸۵)، «تقاضای گاز اروپا نقش ترکیه و فرصت‌های ایران»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۴-۲۲۳.
۸. تقدیسی، احمد و کاظمی، حسینعلی. (۱۳۸۶)، حمل‌ونقل ریلی کلید توسعه غرب کشور، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۷۸ از ۸ تا ۱۲.
۹. شیرین، شیما. (۱۳۸۸)، نقش محوری جمهوری اسلامی ایران در مبادلات منطقه، اقتصاد انرژی، شماره ۱۲۴.
۱۰. قاسمی، فرهاد و فرجی‌راد، محمدرضا. (۱۳۹۷)، «نظریه پیچیدگی و سیاست خارج: راهبردهای ایران در غرب آسیا»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۱.
۱۱. قاسمی، فرهاد و لطفیان اکبرآبادی، زهرا. (۱۳۹۲)، «تاثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۲.
12. Lugo, Luis. (2013), The World's Muslims: Religion, Politics and Society (Observed: 18/1/2018) at: www.pewforum.org/files/worlds-muslims-religion-politics-society-full-report.pdf
13. Kettani, Houssain. (2010), World Muslim Population: 1950 – 2020, "International Journal of Environmental Science and Development (IJESD), Vol. 1, No. 2.
14. Moonis, Ahmar. (2011), "Sectarian Conflicts in Pakistan", Pakistan Vision, Vol 9 No.1. Pp.1-19.
15. Bengio, Ofra. (2004), The Turkish – Israeli Relationship; Changing Ties of Middle Eastern Outsiders, Palgrave: Macmillan, pp. 236.
16. Siknar, Yoginder. (2003), "The Muslim World" (Observed: 11/11/2014) at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/1478-1913.00016/abstract>
17. Hassan, Abbas. (2010), "Shiism and Sectarian Conflict in Pakistan" (Observed: 1/11/2014) at: https://wikileaks.org/gifiles/attach/130/130415_CTC%20Monograph%20-%20Sectarian%20in%20Pakistan%20By%20Hassan%20Abbas.

pdf.

18. Fuller, Garham E & Francke, Rend Rahim. (1999), The Arab Shi'a, The einer Komplexen Beziehung, in: Sigrid Faath, London: Macmillan.
19. Glassner, martin & Fahrer chuck. (2004), political geography, USA: John Wiley & sons.
20. Luttwak Edward. (1990:1998), Fromgeopolitics to geoeconomics: Logic of conflict grammar of commerce. from the national interest, London: Routledge.
21. Anderson, Evan & Anderson, Liam. (1998), Strategic minerals, Newyork: John Wiley sons, 1998.
22. Karakaya,Polat. (2008), "The Kurdish Issue: Can the AK Party Escape Securitization?", Insight Turkey, Vol. 10, pp. 75-86.
23. Kemal, Kirişci. (2011), "The Kurdish Issue in Turkey", p335-339.
24. Daily Star. (2011), Syria Announces Gas Discovery(Observed: 4/4/2015)at: <http://www.dailystar.com.lb/Business/Middle-East/2011/Aug-17/146411-syria-announces-discovery-of-new-gas-field-near-homs.ashx>
25. Ghasemi, F. (2007), Theoretical Approach to Designing Iran's Foreign Policy Deterrence Model, Geopolitics Journal, 3(1), (in Persian).
26. Ghasemi, F. (2011), Theories of international relations and regional studies, Tehran: Mizan. (in Persian).